

## ویژگی‌های جوان معیار از دیدگاه امام علی (ع) در نهج البلاغه

تاریخ دریافت مقاله: ۸۸/۱۲/۲۸

تاریخ تأیید مقاله: ۸۹/۵/۴

محسن فرمهینی فراهانی\*

زینب قلی‌زاده مقدم\*\*

### چکیده:

تربیت صحیح در تمام سنین نیاز به الگو و اسوه دارد، خاصه در سنین حساس و نقش‌پذیر جوانی و چه کسی و چه سخنی بهتر از امام علی (ع) چرا که گفتار، سیره و رفتار معصومان علیهم‌السلام و به‌خصوص امام علی (ع) راهنمای بشریت در جهت آیین صحیح زیستن است. هدف این مقاله ترسیم سیمای جوان معیار از دیدگاه امام علی (ع) در دو محور صفات و ویژگی‌های سلبی و ایجابی، با توجه به نامه‌ها، خطبه‌ها، و حکمت‌های کتاب نهج‌البلاغه، به‌ویژه خطبه همام و نامه ۳۱ ایشان که خطاب به فرزند گرامیشان امام حسن (ع) است که با روش جمع‌آوری اسناد و مدارک مرتبط و با استفاده از فرم گردآوری داده‌ها و به شیوه کیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. از جمله ویژگی‌های جوان شایسته و معیار در جنبه سلبی می‌توان به مواردی همچون، دوری از ضعف اراده، پرهیز از بد خلقی، اجتناب از غرور و مستی در جوانی، و از جمله ویژگی‌های جوان شایسته و معیار در جنبه ایجابی می‌توان به مواردی همچون تهذیب نفس، داشتن وجدان اخلاقی، تقوا، خیرخواه بودن، احترام گذاشتن به بزرگتر، توجه به تجارب پیشینیان، رعایت حدود دوستی و تقویت عزت نفس اشاره کرد.

**واژگان کلیدی:** امام علی (ع)، نهج‌البلاغه، صفات سلبی، صفات ایجابی و جوان.

\* استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه شاهد تهران E-mail: farmahinifar@yahoo.com

\*\* کارشناس ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش E-mail: Monadmoghadam@gmail.com



خطبه همام که امیرالمؤمنین(ع)، به درخواست یکی از یاران پرهیزکار خود در وصف صفات پرهیزکاران ذکر فرمودند: از این رو در این مقاله سعی بر این است تا نگاهی کوتاه و قطره‌ور بر دریای علم و فضیلت علی(ع) کرده و از بیانات و پندهای ایشان در خصوص ویژگی‌های جوان معیار از دو چشم‌انداز صفات سلبی و ایجابی درس‌هایی بیاموزیم و بهره‌ای ببریم. ویژگی‌های جوان معیار از دید امام علی(ع) عبارتند از:

#### ۱. صفات سلبی

##### ۱-۱. دوری از ضعف اراده

یکی از صفاتی که جوانان باید آن را از خود دور کنند ضعف اراده است. بسیاری از جوانان از ضعف اراده و فقدان قدرت تصمیم‌گیری شکایت و برای درمان آن چاره‌جویی می‌کنند. آنان می‌گویند: برای ترک عادات زشت و ناپسند بارها تصمیم گرفته‌ایم، اما کم‌تر موفق شده‌ایم.

امام علی (علیه‌السلام) از تقوا به عنوان عامل تقویت اراده و مالکیت نفس که نقش عمده‌ای در ترک گناه و عادات ناپسند دارد، یاد می‌کند(همان منبع) و می‌فرماید:

«آگه باشید! همانا گناهان چون مرکب‌های بد رفتارند که سواران خود(گناهکاران) را عنان رها شده در آتش دوزخ می‌اندازند. آگه باشید، همانا تقوا، چونان مرکب‌های فرمانبرداری است که سواران خود را، عنان بر دست، وارد بهشت جاودان می‌کنند» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۶).

چنان که قرآن کریم نیز در همین خصوص می‌فرماید: «انان که در راه، ما جهاد و کوشش می‌کنند، راه‌های خود را به آن‌ها نشان می‌دهیم» (عنکبوت، آیه ۶۹).

در قسمت دیگری از نامه ۳۱ نهج‌البلاغه امام علی(ع)، امام حسن(ع) را برای آنکه مشمول رحمت بی‌دریغ پروردگار شوند، چنین راهنمایی می‌فرماید:

«پس هرگاه اراده کردی می‌توانی با دعا، درهای نعمت خدا را بگشایی، تا باران رحمت الهی بر تو ببارد» (نهج‌البلاغه، نامه ۳۱: ۳۷۷).

ایشان خطاب به فرزند خویش امام حسن(ع) در خصوص چگونگی نجات از تردید و سرگردانی در کارها و تصمیمات و اعمال اراده بر انجام عمل می‌فرمایند:

مطالب و نکته‌هایی که جایگاه جوان را در کلام امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام نشان می‌دهد در غالب واژه‌های «غلام» و «صغر» و «شاب» و «حدث» و «فتی» قرار دارد، اگرچه در لغت هر یک از سه واژه اخیر به دیگری ترجمه و تعریف شده و مترادف هستند؛ ولی در برخی از کتب لغت حدث و فتی به نوجوانی و آغاز و شروع جوانی اختصاص یافته است(جواهری، ۱۳۸۲: ۸).

به‌رحال موارد کاربرد این واژه‌ها به‌خصوص کلمه شاب در سخنان امام علی علیه‌السلام، منبع شناسایی جایگاه جوان در کلام امام و نشان‌دهنده توجه امام به جوانان و موضوعات مخصوص ایشان از جمله تربیت جوانان در مسائل مختلف است. امام علی(ع) از مؤلفه‌ها و مختصاتی در شرح ابعاد وجودی و تفسیر هستی «جوان» سخن به میان آورده‌اند که اگر یک جوان به آنها با دیده بصیرت و دقت بنگرد او را به یک «خوبستن‌شناسی» مهم و سرنوشت‌ساز و «کمال‌شناسی» و سعادت‌گزینی رهنمون خواهد شد. اگر اندیشه‌ورزان و خردگرایان جامعه و متولیان امور روان‌شناختی و تربیتی نیز به این مؤلفه‌ها با دیده علمی و تخصصی بنگرند در فهم زوایا و لایه‌های وجودی «جوان» و پیدا کردن راه درمان دردها بسیار کمک خواهد کرد (سبحانی‌نیا، بیتسا). ما در این بخش برآنیم تا ماهیت و ویژگی‌های جوهری و عرضی «جوان» و ارزش و منزلت «دوران جوانی» و وظیفه جوانان را در تهذیب نفس و تحصیل معرفت و نیل به کمال و سعادت بر محور کلمات نورانی و حکمت‌آموز امیرالمؤمنین امام علی(ع) در دو قالب صفات سلبی یعنی صفات منفی و ردیله‌ای که یک انسان خاصه جوانان در سنین حساس جوانی باید آن را از خود سلب نموده و دور کنند و نیز صفات ایجابی و مثبتی که کسب، تقویت و نگهداری آنها می‌تواند باعث رستگاری و رضای الهی شود تبیین کنیم. منبع اصلی این نوشتار نامه سی و یکم نهج‌البلاغه و خطبه همام است که حاوی رهنمودهای پدری نمونه به جوانی نمونه و در حال رشد است. این نامه که از مشهورترین وصایای امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) است، به قول سید رضی (علیه‌السلام) پس از مراجعت از «صفین» در محلی به‌نام «حاضرین» به فرزندشان حسن بن علی(علیه‌السلام) مرقوم داشته‌اند که شیعه و سنی به آن توجه فراوان کرده‌اند و نیز خطبه ۱۹۳ نهج‌البلاغه معروف به

امام علی(ع) یکی از نشانه‌های سیمای پرهیزکاران را در خطبه معروف همام چنین نام می‌برد:

«دوری او از تکبر و خودپسندی و نزدیکی او از روی حیله و نیرنگ نیست» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۹۳).

«راه رفتنشان با تواضع و فروتنی است» (همان منبع: ۲۸۷).

«هر گاه یکی از انسان را بستایند، از آنچه در توصیف او گفته شد در هراس افتاده می‌گوید: «من خود را از دیگران بهتر می‌شناسم و خدای من، مرا بهتر از من می‌شناسد، بار خدایا! مرا بر آنچه می‌گویند محاکمه نفرما، و بهتر از آنم قرار ده که می‌گویند، و گناهانی را که نمی‌دانند بیامرز!» (همان منبع: ۲۸۹).

«قامت به شکل رکوع خم کرده، پیشانی و دست و پا بر خاک مالیده، و از خدا آزادی خود را از آتش جهنم می‌طلبند» (همان منبع، ص ۲۸۷).

امام علی در این رابطه می‌فرماید:

«بر فرد عاقل سزاوار است که خود را از مستی مال، مستی قدرت، مستی دانش، مستی ستایش و مستی جوانی دور نگه دارد که هر یک از آنها بادهای پلیدی دارد که عقل را از بین می‌برد و شخصیت را زبون می‌کند» (جوهری، ۱۳۸۲).

«ترسناک‌ترین تنهایی خودپسندی است» (نهج‌البلاغه، حکمت ۳۸: ۴۵۱).

ایشان همچنین درباره اثر منفی غرور و خودپسندی می‌فرماید:

«بدان که خودبزرگ‌بینی و غرور، مخالف راستی و افت عقل است» (نهج‌البلاغه، نامه ۳۱: ۳۷۷).

امام علی(ع) در نکوهش تکبر و خودپسندی می‌فرماید:

«شیطان بر آدم(ع) به جهت خلقت او از خاک، فخر فروخت و با تکیه به اصل خود که از آتش است، دچار تعصب و غرور شد. پس شیطان دشمن خدا و پیشوای متعصب‌ها و سرسلسله متکبران است، که اساس عصبیت را بنا نهاد و بر لباس کبریاپی و عظمت با خدا در افتاد، لباس بزرگی را بر تن پوشید و پوشش تواضع و فروتنی را از تن در آورد. آیا نمی‌نگرید که خدا به خاطر خود بزرگ‌بینی، او را کوچک ساخت؟ و به جهت بلندپروازی او را پست و خوار گردانید، پس او را در دنیا طرد شده قرار داد و آتش جهنم را در قیامت برای او مهیا فرمود؟» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۹۲: ۲۷۱).

«قبل از پیمودن راه پاکان، از خداوند یاری بجوی... و از هر کاری که تو را به شک و تردید اندازد، یا تسلیم گمراهی کند بپرهیز و چون یقین کردی دلت روشن و فروتن شد، و اندیشه‌ات گرد آمد و کامل گردید و اراده‌ات به یک چیز متمرکز گشت، پس، اندیشه کن در آنچه که برای تو تفسیر می‌کنم، اگر در این راه آنچه را که دوست می‌داری فراهم نشد، و آسودگی فکر و اندیشه نیافتی، بدان که راهی را که ایمن نیستی می‌پیمایی و در تاریکی ره می‌سپاری، زیرا طالب دین نه اشتباه می‌کند و نه در تردید و سرگردانی است، که در چنین حالتی خودداری بهتر است» (نهج‌البلاغه، نامه ۳۱: ۳۷۳).

### ۲-۱. پرهیز از بد خلقی

یکی از خصائل منفی در جوانان که باید از آن اجتناب کنند، پرخاشگری و ستیزه‌جویی است. «گرامی‌ترین ارزش خانوادگی، اخلاق نیکوست» (نهج‌البلاغه، حکمت ۳۸: ۴۵۱).

و نیز در خطبه همام امام(ع) می‌فرماید یکی از نشانه‌های پرهیزکاران این است که او را اینگونه می‌بینی «در دینداری نیرومند، نرم‌خو و دوراندیش است» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۹۳: ۲۸۹).

و نیز «از سخن زشت دور، و گفتارش نرم است» (همان منبع).

حضرت علی(ع) در بیان آثار منفی فتنه بنی‌امیه به این نکته اشاره دارد که فرزند در دوره فتنه دشمن و ستیزه‌جو می‌شود.

«وقتی آن زمان برسد که باطل موضع گرفته و... پس فرزند با پدر دشمنی ورزد» (نهج‌البلاغه خطبه ۱۰۸: ۱۴۳).

خصلت بد دیگری که جوانان را در این دوره تهدید می‌کند و اگر مراقب نباشند در آنها استوار می‌گردد خصلت ناپسند بداخلاقی است که حضرت علی(ع) از آن به عنوان یکی دیگر از نشانه‌های فساد زمان نام می‌برد و می‌فرماید:

«جوانشان بداخلاق اند» (نهج‌البلاغه، خطبه ۲۳۳: ۳۳۵).

### ۳-۱. اجتناب از غرور و مستی در جوانی

یکی دیگر از خطراتی که بر اثر رشد جسمی، احساس کاذب بی‌نیازی و طغیان غریزه خود دوستی در سنین جوانی خود را نشان می‌دهد، «غرور و مستی جوانی» که گونه شتاب‌دار آن، قدرت منطق و خویش‌ن داری را از جوان می‌گیرد و او را تا سر حد جنون پیش می‌برد. جوانان باید با این آفت بزرگ مبارزه کنند تا راه پیشرفتشان به سوی کمال باز شود.



«نفس او از دستش در زحمت، ولی مردم در آسایشند»  
(نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳: ۲۸۹).

و نیز «فستشان عقیف و دامنشان پاک است» (همان منبع، ص ۲۸۷).  
«نفس خود را متهم می‌کنند، و از کردار خود ترسناکند»  
(همان منبع: ۲۸۹).

«اگر نفس او در آنچه دشوار است، فرمان نبرد، از آنچه دوست  
دارد محروم می‌کند» (همان منبع).

آن حضرت در خصوص نحوه مهار هوی نفس می‌فرمایند:  
«هوای نفس را با بی‌اعتنایی به حرام بمیران» (نهج البلاغه،  
نامه ۳۱: ۳۷۱).

## ۲-۲. داشتن وجدان اخلاقی

از دیگر وصایای امام علی (علیه السلام) به فرزندش امام  
حسن (ع) توجه به وجدان اخلاقی در روابط با دیگران است.  
ایشان در این خصوص می‌فرمایند: «ای پسر! نفس خود را میزان  
میان خود و دیگران قرار ده، پس آنچه را که برای خود دوست داری  
برای دیگران نیز دوست بدار، و آنچه را که برای خود نمی‌پسندی،  
برای دیگران مپسند» (نهج البلاغه، نامه ۳۱: ۳۷۵).

نادیده گرفتن این اصل مهم اخلاقی نتیجه‌ای جز تیرگی  
روابط دوستانه نخواهد داشت؛ همان‌گونه که التزام به وجدان  
اخلاقی تضمین‌کننده دوستی پایدار و روابط اجتماعی است. اگر  
در جامعه، تمام افراد براساس وجدان با یکدیگر معاشرت کنند  
و به حقوق و منافع و حیثیت دیگران احترام بگذارند، روابط  
اجتماعی مستحکم، آرامش و امنیت جامعه تقویت خواهد شد.  
وجدان اخلاقی، آدمی را چون طبیب به درد و درمان خویش  
متوجه سلامت روان را اعلام می‌کند (سبحانی‌نیا، بیتا).

## ۲-۳. تقویت عامل بازدارنده تقوا

از دیگر صفات ایجابی که تنها عامل برتری انسان‌ها نسبت به  
یکدیگر شمرده می‌شود، تقویت تقوا است. اهمیت و جایگاه تقوا  
برای جوانان آن وقت معلوم می‌شود که تمایلات و احساسات  
دوره جوانی مد نظر قرار گیرد. برای جوانی که در معرض طغیان  
غرایز و احساسات تند و شکوفایی خواهش‌های نفسانی و غریزه  
جنسی و تخیلات موهوم به سر می‌برد، تقوا به منزله قلعه و حصار  
مستحکمی است که او را از تاخت و تاز دشمنان مصون می‌دارد  
و مانند سپری است که از اصابت تیرهای زهرآگین شیاطین باز

امام علی (ع) در اشارات خود در خطبه همام در خصوص  
ضرورت یاد مرگ فرزندان را چنین نصیحت می‌نماید:

«مبادا دل‌بستگی فراوان دنیا پرستان و تهاجم حریصانه آنان  
به دنیا، تو را مغرور کند، چرا که خداوند تو را از حالات دنیا آگاه  
کرده، و دنیا نیز از وضع خود تو را خبر داده، و از زشتی‌های  
روزگار پرده برداشته است» (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳: ۳۷۹).

## ۲. صفات ایجابی

### ۲-۱. تهذیب نفس

یکی از صفات مثبت و پسندیده‌ای که در انسان خاصه در سن  
جوانی بسیار زیباست، مهذب بودن و پاکی نفس است. بسیاری  
از صاحب‌نظران دینی و روان‌شناسی، بهترین زمان برای تربیت و  
تهذیب نفس را دوره جوانی می‌دانند، زیرا در این دوران صفحه  
دل جوان با زشتی‌ها و خصلت‌های ناپسند شکل نگرفته و چراغ  
فطرت در دلش خاموش نگشته است.

امام علی (علیه السلام) به فرزندش امام حسن (علیه السلام)  
در خصوص آمادگی قلب جوان برای تهذیب نفس چنین می‌فرماید:

«قلب نوجوان مانند زمین خالی است که هر چه در آن بیفشانی  
آن را می‌پذیرد، پس پیش از اینکه قلبت سخت شود و فکرت به  
امور دیگر مشغول گردد، به تعلیم و تربیت تو مبادرت کردم و همت  
خود را بر تربیت تو گذاشتم» (همان منبع: ۳۷۳). عادات ناپسند در  
دوران جوانی ریشه‌دار نشده است، از این رو مبارزه با آن سهل و آسان  
است. جوانان باید از این امتیاز بزرگ به شایستگی استفاده کنند.  
امام خمینی (ره) بر ضرورت اصلاح در ایام جوانی تأکید می‌کردند.  
ایشان در یکی از سخنرانی‌های خود فرمودند: «جهاد اکبر، جهادی  
است که انسان با نفس طاغوتی خودش انجام می‌دهد. شما جوان‌ها  
از حالا باید شروع کنید به این جهاد؛ نگذارید که قوای جوانی از  
دستتان برود. هر چه قوای جوانی از دست برود، ریشه‌های اخلاق  
فاسد در انسان زیادتر می‌شود و جهاد مشکل‌تر. جوان زود می‌تواند در  
این جهاد پیروز شود. پیر به این زودی نمی‌تواند. نگذارید اصلاح حال  
خودتان را از زمان جوانی به زمان پیری ببفتد» (سبحانی‌نیا، بیتا، به  
نقل از آیین انقلاب اسلامی، ص ۳).

امام علی (ع) در خصوص سیمای پرهیزکاران می‌فرماید:  
«لغزش‌هایش اندک، قلبش فروتن و نفسش قانع است»  
(نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳: ۲۸۹).



می‌دارد (سبحانی‌نیا، بی‌تا).

مهم‌ترین سفارش امام (علیه‌السلام) به فرزند دل‌بندش، تقوای الهی است، آن جا که می‌فرماید:

«پسرم، بدان آنچه بیشتر از بکارگیری وصیتم دوست دارم، ترس از خدا است» (نهج‌البلاغه، نامه ۳۱: ۳۷۳).

«پسرم! همانا تو را به ترس از خدا سفارش می‌کنم که پیوسته در فرمان او باشی و دلت را با یاد خدا زنده کنی، و به ریسمان او چنگ زنی، چه وسیله‌ای مطمئن‌تر از رابطه تو با خداست، اگر سر رشته آن را در دست گیری؟» (همان منبع، ص ۳۷۱).

«هرگاه به آیه‌ای می‌رسند که ترس از خدا در آن باشد، گوش دل به آن می‌سپارند، و گویا صدای برهم خوردن شعله‌های آتش، در گوششان طنین افکن است» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۹۳: ۲۸۷).

«بندگی تو فقط برای او باشد و تنها اشتیاق او را داشته باش و تنها از او بترس» (همان منبع: ۳۷۵).

#### ۴-۲. خیر خواه بودن

یکی از خصلت‌های مثبت جوانان ناصح بودن است. جوان به‌رغم شور و احساس، زور بازو و غرور اگر پیرو احساس و هوس نباشد و در پی شر و بدی نگردهد، برعکس به دنبال خیر و خوبی، خیر خواه و ناصح باشد، بسیار مطلوب و پسندیده است (حسین‌زاده، ۱۳۸۵).

امام (ع) در سخنرانی خود در آغاز خلافت قرآن را چنین توصیف می‌فرماید:

«همانا خداوند بزرگ کتابی هدایت‌گر فرستاد، نیکی و بدی و خیر و شر را آشکارا در آن بیان فرمود. پس راه نیکی در پیش گیرید، تا هدایت شوید و از شر و بدی پرهیز کنید، تا در راه راست قرار گیرید» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۶۷: ۲۲۷).

ایشان همچنین در خصوص خیر و شر می‌فرمایند:

«چیزی بدتر از شر و بدی نیست جز کبفر و عذاب آن و چیزی نیکوتر از خیر و نیکی وجود ندارد جز پاداش آن» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۱۴: ۱۵۵).

حضرت علی (ع) محمدبن ابی بکر را چنین توصیف می‌کند:

«در پیشگاه خدا او را فرزندی خیر خواه می‌شماریم»

(نهج‌البلاغه، نامه ۳۵: ۳۸۵).

امام علی (ع) در خطبه هم‌ام یک از صفات پرهیزکاران را چنین معرفی می‌نماید:

«مردم به خیرش امیدوار، و از آزارش در امانند» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۹۳: ۲۸۹).

در غررالحکم جلد ۲ صفحه ۵۷۵ آمده است:

«فرزند صالح و شایسته زیباترین یادآوری از دو بخش یادآوری‌های انسان است. یعنی کارها و اعمال انسان یک یادگار خیر و فرزند صالح یادگار خیر دیگری است که از دیگری زیباتر است. پس باید جوانان و فرزندان صالح تربیت کرد و از خود به یادگار گذاشت» (حسین‌زاده، ۱۳۸۵).

#### ۵-۲. احترام گذاشتن به بزرگتر:

خصلت دیگر جوان شایسته مطیع پدر بودن است. حضرت علی (ع) یکی از حقوق پدر بر فرزند را اطاعت پدر می‌داند.

علی (ع) در این خصوص می‌فرماید:

«حق پدر بر فرزند آن است که فرزند در همه چیز جز نافرمانی خدا، از پدر اطاعت کند» (نهج‌البلاغه، حکمت ۳۹۹: ۵۱۹).

احترام گذاشتن به بزرگترها نیز خصلت پسندیده دیگری است، به طوری که امام علی (ع) یکی از نشانه‌های فساد زمان را عدم تکریم بزرگترها دانسته و می‌فرماید:

«خردسالانشان بزرگان را احترام نمی‌کنند» (نهج‌البلاغه، خطبه ۲۳۳: ۳۳۵).

نافرمانی در مقابل پدر و مادر خصلت منفی و ناپسند دیگر جوانان است. جوان نه تنها باید در مقابل پدر و مادر نافرمان نباشد، بلکه باید کاملاً رام و خاضع و فرمان‌بردار باشد. حضرت علی (ع) می‌فرماید:

«بدترین فرزندان، اولاد نافرمان است» (حسین‌زاده، ۱۳۸۵ به نقل از غررالحکم جلد ۲ صفحه ۵۷۶).

با توجه به اینکه توصیه‌های اخلاق به فرزندان با عنوان اولاد بیشتر در سنین جوانی است، می‌توان از واژه اولاد و کاربرد آن در تعابیر و تعالیم اخلاقی در بحث از جوانان سود جست.

امام (ع) می‌فرماید: «ولد عقوق محنه و شوم: فرزند نافرمان موجب محنت است و شوم و نحس است» (همان منبع).

#### ۶-۲. توجه به تجارب پیشینیان

یکی از وسایل رشد اکتسابی عقل، تجربیاتی است که آدمی در طول دوران زندگی، از راه‌های مختلف فرا می‌گیرد تا در مواقع لازم بر طبق آن‌ها عمل کند. کسی که از شنیدن یک واقعه

در خصوص استفاده از تجارب پیشینیان و اطمینان به صحت و درستی رفتار و گفتار آنان و تشخیص سره از ناسره و به دلیل همان معطل کم‌تجربگی جوانان علی (ع) اطمینان بخش‌ترین و کامل‌ترین الگو در پیامبر خدا (ص) معرفی می‌نمایند و می‌فرمایند:

«بدن پسر! هیچ کس چون رسول خدا صلی الله علیه و آله از خدا آگاهی نداده است، رهبری او را پذیرا باش و برای رستگاری راهنمایی او را بپذیر» (همان منبع: ۳۷۵).

«پس در تربیت تو شتاب کردم، پیش از آن که دل تو سخت شود و عقل تو به چیز دیگری مشغول گردد تا به استقبال کارهایی بروی که صاحبان تجربه زحمت آزمودن آن را کشیده‌اند و تو را از تلاش و یافتن بی‌نیاز ساخته‌اند» (همان منبع: ۳۷۳).

## ۲-۷. رعایت حدود دوستی

واضح و مبرهن است که بقا و دوام دوستی منوط به رعایت حدود دوستی و آداب معاشرت است. دوست گرفتن آسان است؛ اما نگه‌داری آن مشکل‌تر است.

امام علی (علیه السلام) در قسمتی دیگر از نامه مبارک خود به نکات ظریفی که موجب پایداری پیوند دوستی است، اشاره می‌کند و می‌فرماید:

«دوست آن است که در نهان آیین دوستی را رعایت کند» (نهج‌البلاغه، نامه ۳۱: ۳۸۳).

امام علی (ع) در خصوص حقوق دوستان می‌فرماید:

«چون برادرت از تو جدا گردد، تو پیوند دوستی را برقرار کن، اگر روی برگرداند تو مهربانی کن، و چون بخل ورزد تو بخشنده باش، هنگامی که دوری می‌گزیند تو نزدیک شو، و چون سخت می‌گیرد تو آسان گیر. و به هنگام گناهش عذر او بپذیر، چنان که گویا بنده او باشی، و او صاحب نعمت تو می‌باشد» (نهج‌البلاغه، نامه ۳۱: ۳۸۱).

افراط در دوستی و تجاوز از حریم اعتدال در دوران جوانی کم و بیش دیده می‌شود، و دلیل آن انگیزه عاطفی و احساسات دوران جوانی است. این عده از جوانان در ایام دوستی به رفیق خود بیش از حد ابراز علاقه و محبت می‌کنند و در ایام جدایی بیش از حد ابراز مخالفت و دشمنی می‌کنند تا جایی که ممکن است به کارهای خطرناکی دست بزنند. توصیه امام علی (علیه السلام) میانه‌روی در رفاقت است. آن حضرت می‌فرماید:

«با آن کس که با تو درستی کرده، نرم باش، که امید است که

یا مشاهده حادثه‌ای متأثر می‌شود و درباره آن فکر می‌کند و به رمز آن پی می‌برد و نتیجه‌اش را به خاطر می‌سپارد، با این عمل تجربه‌ای اندوخته و به قدر یک تجربه، عقل خویشتن را تقویت کرده است. ثمرات تجربه‌اندوزی عبارتند از: الف) دقت در حوادث دیگران و عبرت‌گیری از تاریخ؛ (اهتمام اسلام به عبرت از تاریخ، ب) تجزیه و تحلیل وقایع روزمره خود (فلسفی، ۱۳۸۶). استفاده از تجارب دیگران و توجه به آن همواره در طول تاریخ بشر امری مهم و کارساز بوده است؛ چراکه مانع تکرار اشتباهات و تسریع و تسهیل روند پیشرفت انسان می‌گردد، این اصلی است که همواره از سوی خداوند و فرستادگان او نیز مورد تأکید قرار گرفته است.

امام علی (علیه السلام) نیز بنا به اهمیت موضوع در این خصوص چنین سفارش می‌نماید: «تاریخ گذشتگان را بر او (دلت) بنما و آنچه که بر سر پیشینیان آمده است، به یادش آر. در دیار و آثار ویران‌رفتگان، گردش کن و ببیندیش که آنها چه کردند؟ از کجا کوچ کرده و به کجا فرود آمدند؟» (نهج‌البلاغه، نامه ۳۱: ۳۷۱).

تخیلات موهوم که از ویژگی‌های دوران جوانی است، چه‌بسا جوان را از شناخت حقیقت باز دارد. تجربه، پرده‌های وهم‌پندار را پاره می‌کند و انسان را به واقع رهنمون می‌سازد تا در سایه تجربه، اشتباه به حداقل رسد و از فریب و گمراهی او جلوگیری نماید. امام علی (علیه السلام) در این خصوص می‌فرماید:

«تجارب بشر، دانش سودمندی است» (سبحانی‌نیا، بی‌تا، به نقل از غررالحکم و دررالکلم، ج ۱: ۲۶۰).

«کسی که تجربه‌اش کم و ناچیز باشد، فریب می‌خورد» (همان، ج ۵: ۱۸۵).

«کسی که تجربه‌اش زیاد باشد، کم‌تر فریب می‌خورد» (همان: ۲۱۴).

«با مردان آزموده همنشین باش که آن‌ها متاع پراج تجربه‌های خود را به گرانترین بها یعنی فدا کردن عمر خود تهیه کرده‌اند و تو آن متاع گران‌قدر را با ارزان‌ترین قیمت (با صرف چند دقیقه) به دست می‌آوری؟» (سبحانی‌نیا، بی‌تا، به نقل از شرح نهج‌البلاغه ابن ابی‌الحدید، ج ۲۰: ۳۳۵).

«با آنچه در گذشته دیده یا شنیده‌ای، برای آنچه که هنوز نیامده، استدلال کن، زیرا تحولات و امور زندگی همانند یکدیگرند» (نهج‌البلاغه، نامه ۳۱: ۳۸۳).

به زودی در برابر تو نرم شود؛ با دشمن خود با بخشش رفتار کن، زیرا سرانجام شیرین دو پیروزی است «انتقام گرفتن یا بخشیدن» (نهج البلاغه، نامه ۳۱: ۳۸۱).

«اگر خواستی از برادرت جدا شوی، جایی برای دوستی باقی گذار، تا اگر روزی خواست به سوی تو باز گردد بتواند» (نهج البلاغه، نامه ۳۱: ۳۸۱).

«انسان تنها کسی است که دوست ندارد» (همان منبع). دوستی و رفاقت براساس محبت متقابل است. اگر یکی از دو طرف خواهان برقراری رابطه و دیگری بی‌میل باشد، نتیجه‌ای جز ذلت و خواری مشتاق دوستی نخواهد داشت. از این رو امام علی (علیه‌السلام) در نامه مبارک می‌فرماید:

«به کسی که به تو علاقه‌ای ندارد، دل میند» (نهج البلاغه، نامه ۳۱: ۳۸۱).

«بریدن با جاهل، پیوستن به عاقل است» (همان منبع). امام علی (ع) هشدارهایی در خصوص دوستیابی به فرزندانش امام حسن (ع) داده‌اند که می‌تواند راهنمای خوبی خاصه برای جوانان در این زمینه باشد که عبارتند از:

- «پسرم! از دوستی با احمق بپرهیز، چرا که می‌خواهد به تو نفعی رساند؛ اما دچار زیانت می‌کند».

- «از دوستی با بخیل بپرهیز، زیرا آنچه را که سخت به آن نیاز داری از تو دریغ می‌دارد».

- «از دوستی با بدکار بپرهیز، که با اندک بهایی تو را می‌فروشد».

- «از دوستی با دروغگو بپرهیز، که او به سراب ماند، دور را به تو نزدیک و نزدیک را دور می‌نمایاند» (نهج البلاغه، حکمت ۲۸: ۴۵۱).

## ۸-۲. تقویت عزت نفس

خداوند آدمی را از بهره‌های درونی ویژه‌ای - چون عقل برخوردار ساخته و او را به سبب این بهرموری، کریم و بزرگووار داشته است. اصل عزت ناظر به این ویژگی است و مقصود از آن این است که باید انسان مکرم را عزیز داشت و مایه‌ای عزت نفس او را فراهم آورد که این در راستای شکوفایی همان عقل (مایه کرامت انسان) و در پرتو آن مصونیت از فرو لغزیدن در ضلالت - که همان تقوا است - حاصل می‌شود (باقری، ۱۳۸۴). از مواردی که به عزت نفس آدمی آسیب فراوانی می‌رساند، ارتکاب به گناه و ناپاکی است.

«هر کس قدر و منزلت خویش بداند حرمتش باقی است»

(نهج البلاغه، نامه ۳۱: ۳۸۳).

پرهیز و اجتناب از آلودگی به گناه از عوامل دستیابی به شرافت نفس است. امام علی (علیه‌السلام) می‌فرماید:

«کسی که برای نفس خود کرامت قائل است، آن را با گناه پست و خوار نمی‌سازد گناهان بزرگ هم چون زنا، دروغ، غیبت، فحش و ناسزا با بزرگ منشی و کرامت نفس تضاد آشکار دارد» (سبحانی‌نیا، بی‌تا، به نقل از غررالحکم و دررالکلم، ج ۵: ۳۵۷).

از دیگر وصایای امام علی (علیه‌السلام) به جوانان، ایجاد عزت نفس و پرهیز از اعمالی است که باعث خدشه‌دار شدن آن می‌گردد و می‌فرماید:

«کسی که خواهان کرامت و عزت نفس است، از هر سخن یا عملی که نشانه ضعف و ناتوانی است، اجتناب کند» (همان منبع، ج ۲: ۷۷).

«زیاده‌روی در ستایش و تحسین، تملق و چاپلوسی است که از یک سو در مخاطب نخوت و تکبر پدید می‌آورد از سوی دیگر عزت نفس را دور می‌کند» (همان منبع، ج ۴: ص ۵۹۵).

«کسی که مشکلات زندگی‌اش را برای دیگران آشکار کند، در حقیقت به خفت و ذلت رضایت داده است» (همان منبع، ج ۲: ۹۳).

«نفس خود را از هر گونه پستی بازدار، هر چند تو را به اهدافت رساند، زیرا نمی‌توانی به اندازه آبرویی که از دست می‌دهی، بهایی به دست آوری. برده دیگری مباش، که خدا تو را آزاد آفرید» (نهج البلاغه، نامه ۳۱: ۳۷۹) چشم طمع داشتن به مال دیگران و درخواست کمک کردن در غیر موارد اضطرار، شرافت و عزت نفس را مخدوش می‌کند. امام علی (علیه‌السلام) می‌فرماید:

«درخواست از مردم، طوق ذلتی است که عزت را از عزیزان و شرافت را از شریفان سلب می‌کند» (سبحانی‌نیا، بی‌تا، به نقل از غررالحکم و دررالکلم، ج ۲: ۱۴۵).

در حدیثی دیگر از امام علی (علیه‌السلام) به این نکته اشاره شده است که می‌فرماید:

«نابود شد کسی که ارزش خود را ندانست» (نهج البلاغه، حکمت ۱۴۹: ۴۷۳).

## نتیجه‌گیری

در مراحل تربیتی باید به این نکته توجه داشته باشیم که:



نکنیم، خواه ناخواه دیگران بذرافشانی خواهند کرد. سرمایه دوم در کلام امیرمؤمنان (علیه السلام) نسبت به یک جوان، عقل است که در این مورد باید کنترل شود، تا دیگران فکر جوان را آلوده و منحرف نکنند و وجود این دو سرمایه بزرگ در یک جوان راه را برای استفاده صحیح از جوانی باز خواهد کرد. علی علیه السلام دوران نوجوانی را از سه جهت بسیار حساس بیان می‌کند: اول اینکه قلب نوجوان مانند زمین، خالی و مساعد است که هر چه در آن بکاری همان درو می‌کنی، دوم اینکه دوران نوجوانی را زودگذر می‌داند و گوشزد می‌فرماید سریعاً آن را دریابید، سوم اینکه شیطان در این زمان به نوجوان زیاد روی می‌آورد و لازم است برای آن پناهگاه خوبی در نظر گرفت که بهترین پناهگاه، قرآن کریم، ائمه علیهم السلام و ادعیه می‌باشد و گرنه، گناه انسان را در دنیا و آخرت رسوا می‌سازد و برکت را از مال او برمی‌دارد و ناراحتی‌های روانی را نصیبش می‌کند. قرآن کریم به مسلمانان خطاب می‌فرماید، رسول خدا صلی الله علیه و آله یک الگو و سرمشق کامل است و حضرت علی علیه السلام و فرزندانش بهترین الگو برای نوجوانان و جوانان در گرایش به صفت ایجابی و دوری از صفا سلبی هستند. از این رو با تبیین سیره زندگی امام می‌توان امام را در تمام مراحل به عنوان الگو انتخاب کرد.

#### منابع:

- قرآن کریم  
- باقری، خسرو (۱۳۸۴). نگاهی دوباره به تربیت اسلامی. محل انتشار: تهران: انتشارات مدرسه.  
- جواهری، محمدرضا (۱۳۸۲). اخلاق جوانی از دیدگاه امیرالمؤمنان علی علیه السلام. مشهد: انتشارات خیرالبریه.  
- حسین زاده، حمید. (۱۳۸۵). «جوان و جوانی از دیدگاه امام علی (ع)». روزنامه رسالت، شماره، ۶۱۰۵.  
- خادمی کوشا، محمد علی. (۱۳۸۲). جوان در پرتو اهل بیت. قم: مؤسسه بوستان کتاب قم.  
- رضی، سید شریف. (۱۳۸۵). نهج البلاغه حضرت امیرالمؤمنین (ع). مترجم محمد دشتی. تهران انتشارات دارالفکر.  
- سجانی نیا، بیتا. وصایای امام علی (ع) به جوانان، فصلنامه معارف اسلامی، شماره ۴۶، پایگاه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تبیان زنجان.  
- سوزنجی، حسین. (۱۳۸۶). گزارش گفتارهای مرحوم استاد فلسفی (جوان). ناشر: پژوهشکده باقرالعلوم (علیه السلام) با همکاری ستاد احیاء و امر به معروف و نهی از منکر.

«دوره بلوغ به نظر بعضی از روان شناسان آخرین مرحله‌ای است که فرد می‌تواند شخصیت خود را تغییر دهد. به عبارت دیگر در این دوره شخص آماده است که در افکار، عقاید، عادات، تمایلات و آرای خود تجدید نظر کند» (خادمی کوشا، ۱۳۸۲: ۳۵).

اگر از این مرحله بگذرد رفتار و کردار چه صحیح و چه ناصحیح در جوان تحجر پیدا می‌کند و به سختی می‌تواند آن را تغییر دهد. در کلام امام به این نکته اشاره شده، اگر فرصت‌های زندگی را از دست بدهیم جز غم و اندوه نتیجه‌ای را به دست نمی‌آوریم. «از دست دادن فرصت اندوهبار است» (نهج البلاغه، حکمت ۱۱۸: ۴۶۵).

ضرورت تربیت در سنین جوانی به دو نکته اشاره دارد؛ اول اینکه شتاب در تربیت در سنین جوانی باعث می‌شود که جوان از انواع انحرافات مصون بماند، چون در جوان به خاطر فعال شدن شدید بعضی از غرایز و گسترده شدن احساسات زمینه انحرافش بیشتر از سایر دوران‌ها است.

دوم اینکه، شتاب در امر تربیت به خاطر روح تربیت‌پذیری بالای جوان است. در سنین قبل از جوانی در بعضی از مسائل، تربیت به شکل‌های مختلف امکان‌پذیر نیست، چون درک فرد از مسائل کم است و در سنین بعد از جوانی اخلاق و رفتار در امور مختلف حالت تحجرآمیز پیدا می‌کند، حال اگر فرد بخواهد بعضی از اخلاق سلبیه خود را تغییر دهد یا امکان ندارد یا به سختی ممکن می‌شود، بنابراین دوران جوانی بهترین فرصت برای امر تربیت و کسب صفات ایجابی است. حال باید بدانیم برای بهتر انجام شدن تربیت اسلامی‌وار یا علوی‌وار چه راهکارهایی انجام دهیم. امیرمؤمنان (علیه السلام) به این دوران بسیار حساس و امیدوار بودند؛ چرا که بسیاری از افتخاراتی که به دست آورده بودند در همین دوران بوده است. او می‌خواست تا هر نسلی که به مرحله شکوفایی می‌رسد قدر جوانی را بشناسد و کاملاً از خود مراقبت کند. آن حضرت همواره بر قلب و عقل جوان تکیه کرده که بزرگترین سرمایه یک جوان است. ایشان قلب نوجوان را مانند زمین کاشته نشده، ولی آماده بذر پاشی می‌داند که اگر آن چه را که باعث سعادت و کامیابی یک جوان است، بذر افشانی